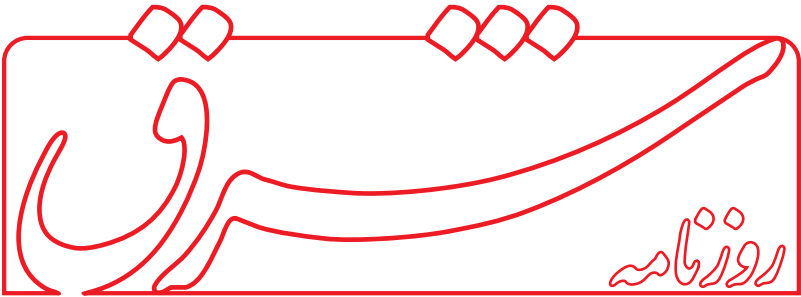


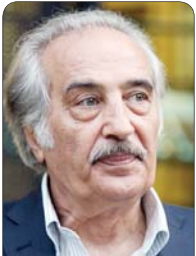


روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۸۹-۳۷-۳۷ شماره: ۸۸۹۸۶۸۸-۸۸۹۸۶۸۲-۲۲-۲۲
امور مشترکین: ۸۸۸۱۴۲۳-۲۲-۲۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharhdaily.ir

تهران: آذان ظهر ۱۳:۰۶ آذان مغرب ۱۹:۱۵ آذان صبح فردا ۵:۱۱ طلوع آفتاب ۶:۳۸



سه شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۹۲ ۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۳۴ ۹ آوریل ۲۰۱۳ سال دهم شماره ۱۷۰۳ ۱۶صحنه



«محمدعلی سپانلو» از «بیهقی» می‌گوید

ایسنا: هفدهمین درگفتار شهر کتاب درباره بیهقی با عنوان «بیهقی، گزارشگر مورخ» با سخنرانی محمدعلی سپانلو در روز چهارشنبه، ۲۱ فروردین، ساعت ۱۶:۳۰ در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهیدبهنشتی، خیابان شهید احمد قصاب (بخارست)، نیش کوچه سوم بر گزار می‌شود. درباره برگزاری این نشست عنوان شده است: گزارش بیهقی از آنچه دیده، شنیده و خوانده، با نثری جذاب بر دل‌ها می‌نشیند و باید بررسی کرد که تاثیر کلام و پیام بیهقی در چیست؟ محمدعلی سپانلو در جست‌وجوی این چیستی است.

واژگان یک فرهنگ

«باستان‌شناسی»: ویرانه‌های بی‌معنا



ناصر فکوهی

● سفرنامه‌های جهانگردان اروپایی و آمریکایی که از قرون ۱۸ و ۱۹ و حتی پیش از آن از ایران می‌گذشتند، حکایت از مشاهدات آنها از آثار باستانی است که اغلب به صورت ویرانه‌هایی در گوشه و کنارهای پهنه و به‌ویژه در مناطقی چون خوزستان و فارس و بلوچستان و غیره به چشم می‌آمده‌اند. اروپا به‌ویژه در قرن ۱۹، در اوج حرکت ملی‌گرایانه خود برای ایجاد «حافظه‌های تاریخی» از خلال رومانتیسم ادبی و میراث جهانی استعماری برای پر کردن موزه‌هایش بود، از این رو جهانگردان اروپایی نمی‌توانستند به این آثار و سرنوشت آنها حساس و علاقمند نباشند هرچند در این زمان خود ایرانیان که دیدگاهی صرفاً محلی داشته و «آثار تاریخی» مزبور برایشان «ویرانه‌های» بازمانده از گذشته و بی‌معنا می‌آمد که «گویی همیشه آنجا بوده» و تنها هنگامی ارزش می‌یافتند که به نوعی با عنصر تقدس درآمیخته شده، تاریخی اسطوره‌ای می‌یافتند یا حامل ارزش مادی تلقی می‌شدند و به همین دلیل نیز نسبت به آنها چندان توجهی نداشتند.

در این حوزه همچون بسیاری از موارد دیگری که به آنها اشاره کردیم، نخستین بار در اواخر دوران ناصری است که می‌توانیم با ورود مدرنیته بیرونی، رویکردی جدید نسبت به این میراث را مشاهده کنیم. به گونه‌ای که اصولاً ارزشی برای این «ویرانه‌ها» قابل شوند و سپس اقدامی برای به‌یمرسداری از آنها به انجام برسانند. ظاهر ناصرالدین شاه، با نوعی الگوبرداری در این زمینه همچون سایر عناصر مدرنیته غربی، به اهمیت حفاری‌ای برد و انحصار آنها و پژوهش‌های باستان‌شناسی را در سال ۱۲۷۹/ ۱۹۰۱ به فرانسوی‌ها داد و دورانی که بعدها به دوران «انحصار فرانسوی» بر باستان‌شناسی ایران، موسوم شد، آغاز شد و تا دهه ۱۳۱۰/۱۹۳۰ ادامه یافت. این در حالی بود که با آغاز مشروطه و شکل‌گیری مفهوم دولت‌مدن در ایران و به‌ویژه با رویکردهای ملی‌گرایانه و باستان‌گرایانه رضاشاه، مساله هر روز شکل جدی‌تری به خود می‌گرفت.

اگر مفهوم باستانسّتی «ایران» را که در ادبیات باستانی ایران وجود دارد و معنایی سیاسی و در عین حال اسطوره‌ای داشته و خود بحث دیگری را می‌طلبد، کنار بگذاریم، پدیدآمدن نام «ایران» در عرصه بین‌المللی مدرن به دستور رضاشاه در سال ۱۳۱۲/ ۱۹۳۵ انجام گرفت و در واقع، این تمایل را نشان می‌داد که میان مفهوم دولت‌جدید که در آغاز قرن بیستم شکل گرفته بود و معنای باستانی این واژه («سرزمین آریایی‌ها») نوعی همپوشانی معنایی ایجاد شود که اغلب سرمنشا بسیاری از اشتباهات و شوونیسم‌های قوم‌گرایانه بعدی بود. اما به هر سوس، پدیدآمدن این نام در عرصه بین‌المللی به جای واژه «پرشیا» (persia) که آن واژه نیز اشاره به مفهوم «پارس» و فارس یعنی منطقه مرکزی ایران و سرمنشا خاندان‌های هخامنشی و ساسانی داشت و طبعاً بخش بزرگی از تاریخ چندهزارساله این پهنه را از لحاظ زبانی و فرهنگی و قومی نادیده می‌گرفت، همچون مورد نخست، پایهای یک ملی‌گرای باستان‌گرا را ریخت که از خلال نظام‌های گوناگون مادی و غیرمادی و بر الگویی که از انقلاب فرانسه برایش ترسیم شده بود، به جست‌وجوی یافتن «گذشته»‌های تاریخی خود رفت. به این ترتیب بود که اگر از یک سسو، گذشته‌ای غیرمادی در حوزه‌های چون ادبیات شفاهی، اسطوره‌شناسی، ادبیات و شعر و عرفان و الهیات شیعه توسعه یافته‌اند، در زمینه مادی نیز عناصری که پیش از آن کاملیش در این پهنه چندان پیشینه‌ای نداشتند، همچون نظام‌های بزرگ بازنمایی (representation) (نقشی، مجسمه‌سازی، آیین‌های نمایشی و مناسکی و...) که آغاز ضعیفی را در دوره مقویه تجربه کرده بودند، از دوره قاجار و به‌خصوص با پهلوی اول پا به عرصه وجود گذاشتند. آنچه به این روند دامن می‌زد از سویی تمایل اروپاییان به یافتن مکان‌های نام برده شده در کتاب مقدس در آثار برجای مانده در ایران از جمله در شوش نیز بود. همین امر در حوزه مادی، بیش از هر چیز بر زمینه باستان‌شناسی متمرکز شد.

ادامه دارد...

مخبر الدوله

نمایش آثار نقاشی دو هنرمند در گالری «شکوه»

● شرق: روز جمعه ۲۳ فروردین ماه گالری «شکوه» میزبان نمایشگاه آثار نقاشی گیتی خرسند و نفیسه دیباج خواهد بود. این نمایشگاه که سه آخرین کارهای این دو هنرمند معاصر اختصاص یافته است از روز جمعه ۲۳ فروردین آغاز شده و تا ۲۸ فروردین ادامه خواهد داشت. لازم به ذکر است این آثار در تابستان گذشته در رویال آکادمی آرت لندن به نمایش درآمدند و تابستان ۲۰۱۳ نیز مجدداً در لندن به نمایش در خواهند آمد. گالری شکوه در چهاره فرماینه، بلسار اندرزگو، خیابان سلیمی‌شمالی، کوچه امیرنوری، پلاک ۱۹ واقع شده است. علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن: ۲۲۲۱۴۲۹۹ تماس حاصل کنند.

تولد دیگر

«رضا سقایی» ۷۴ساله شد

برارونم خیلیین هزار هزارن



علی اکبر شکارچی

وزنید چو زورُ دهل دهل وُر چو هر که مُرد بار هُنی د زنه نی وُو

(شعربخیتاری)

ترجمه:

بزنید چوب پر دهل، دهل را با چوب بزنید
و اعلام کنید هر کس مُرد بار دیگر زنده نمی‌شود



در سرزمین ما ایران‌زمین، به‌خصوص ایلات و عشایر، رسم بر این بوده است که تا سالمرگ انسان متوفی لباس سیاه از تن بپَر نکندند و مراسم جشن و سرور به‌خصوص عروسی متوقف می‌شده یا با اجازه خانواده متوفی صورت می‌گرفته است. هیچ صدا یا نغمه شادانیه در کوهسار شنیده نمی‌شد. آمدورفت مردان و زنان اقوام مختلف به خانه متوفی در طول یک‌سال، همراه

با مویه‌خوانی جمعی زنان، انجام می‌گرفته؛ شاید بی‌دلیل نباشد که صدها شعر و مویه‌های حزن‌انگیز سوگ، همراه با رقص و دُهل و سُرنا و کرنا به‌خصوص در دامنه‌های زاگرس خلق شده؛ شعر و آهنگ‌هایی که همسنگ مویه‌های سوگ سیاوش و مرگ سپهراب

صدای چپ کوک موسیقی لُر



علی اکبر مرادی

برای اظهار نظر دربارۀ جایگاه هنری استاد «سقایی» حتماً اهالی موسیقی لرستان شایسته‌ترند اما این چه که من به عنوان طرفدار موسیقی او می‌دانم این است که این هنرمند نقطه عطفی در موسیقی نواحی لرستان محسوب می‌شود چرا که در دوران پیش از انقلاب او شاخص‌ترین آوازخوان لر بود و در شرایط و اوضاع و احوال آن روزگار به نحوی عمل کرد که موسیقی آن خطه را با صدای دلنوازش

با شما نبودم

لینچِ درون



امید بلافتی

از بازگشت جویا شدیم کجا بوده است، گفت با گروهی رفته بودند نزدیک تخت‌جمشید چادر زده بودند و هر روز روزی سه ساعت می‌رفتند و روبه‌روی تالار، ابدانها و تالارآینه مراقبه می‌کردند و روزه سکوت، دانستیم گرایش غربی پیدا کرده است به ایران باستان و زرتشت و کوروش. اصلاً یک وضع غربی زرتشتی شد. مدام و مدام درباره ایران باستان سخن می‌گفت و ردپاهایی از اندیشه فوکو را در زرتشت یافته بود. در عین حال اعتقاد پیدا کرد که ریشه اندیشه‌های پستمدرن در همین عرفای خدومان است و منبع اصلی نوشتن هستی و زمان همان مقالات شمس خدومان است. خلاصه یک رابطه غربی پیدا کرد بین همه این اندیشه‌ها. اما یک چیزبه تدهش و جودش رهایش نمی‌کرد و آن لینچ بودن بالقوایش بود. جاده مالهالند درونش ماشین‌سواری می‌کرد و صدبار در بزرگراه گمشده، گمشده بود. حالا بماند بالشت زیر سرش که از مِخل آبی مرغوب بود. (نگارنده از عدم کیفیت این تعبیر و دمدستی بودنشان آگاه است اما در بیان منویات این رفیق از دست رفته ترجیح داده به جای درگیری با امر خلاقه و واژه‌سازی به بیان واقعیت درونی سوزۀ ببرآرد.) باید یک مکالمه هم بین لینچ و همه این تفکرات و به‌ویژه ایران باستان پیدا می‌کرد. پس با یک نگرش زبانی ساده و خاص پروسه پیچیده از دلبری و دل‌ستاندن را بنا گذاشت و در این کار به کمال رسید. در واقع برای رسیدن به نوعی سیروسلوک عرفانی که به آرای زرتشت نزدیک باشد و در عین حال ردپایی از لینچ بزرگوار در آن باشد و اندکی خشونت اسکورسوزی و یک جورهایی هم سوءتفاهمت زبانی درپدای، ایشان در شعار معروف زرتشت تغییری ساده ایجاد کرد و بنیان‌های یک نحله فکری بومی‌گرا را بنا نهاد. در این چند سال نتنها بسیاری به مکتب فکری ایشان گراییداند که چه فیلم‌های زمینی و زیرزمینی، موسیقی‌های زمینی و زیرزمینی از دل این نحله فکری تولید شده است باقلا...
نوستالژیا/ جلد ۵۷۶ / روایت «گفتار نیک، پندار نیک، کردار نیک» (در واقع این عنوان روایت همان نگرش زبانی و در واقع بازی زبانی رفیقمان است که دستاورد مهمی در هنر معاصر ایران‌زمین است) یا فاصله به حرف ساده‌ست بین به کسره و فتنه»

کاپوچینو

دویدن پابه‌پای موشک هامبورگ



مزدک علی نظری

اشک‌های تلخ مهدی در آن نیمه‌شب زمستانی جا ماند. روزنامه‌ها تعطیل بودند و مردم درگیر آمدن بهار؛ نشد که خودآزارانه، بارها آن کلبوس را در ذهن مرور کنیم و درباره‌اش با هم حرف بزنیم. حالا اما در گذشت عزیزش بهانه‌ای شده تا باز همه نگاهها سمت او بگردد. آنچه از همه تاسف‌آورتر است اینکه «مهدی مهدوی‌کیا»، ستاره فوتبال ایران می‌خواهد بازنشته‌ش شود و هیچ‌چیز آن‌طور نیست که باید باشد.

پیش‌تر، خداحافظی یک بازیکن بزرگ – هرچند با اشک‌واه همراه می‌شد – از روزهای زیبا و به یادماندنی او و هوادارش به حساب می‌آمد. همین مهدی، پیراهن شماره ۱۷ پرسپولیس را در بازی داری از «فرشاد پیوس» گرفت و تن کرد. چه روزی بود. تابلو تعویض که بالا رفت، حتی استقلالی‌ها هم گریه می‌کردند. باور کنید یا نه، خیلی‌هایشان شاک می‌بودند که چرا غلامپور در ۱۵ دقیقه‌ای که «فرشاد آقای گل» بازی کرد، شده بود اشمایکل و مثلاً با آن شیرجه بلندنش نگذاشت کاشته پیوس گل بشود! این سال‌ها خیلی از ستاره‌های فوتبال ما بی‌خداحافظی رفتند و کک هیچ‌کس هم نگزید. می‌خواهم بگویم مسئولان ورزش که می‌بینند بی‌اخلاقی در استادپوم‌ها بسپدا می‌کند و فقط در نقش میرغضب، به توبیخ انضباطی بازیکن و تماشاچی بسنده می‌کنند؛ این متولیان هستند که باید حرمت نگه دارند و رسم احترام به قهرمان و پیشکسوت را زنده کنند.

حالا بگذریم؛ از احترام و حق یک قهرمان گفتیم اما زیاد وارد ورزش نشویم. بگذارید یک چیز دیگر برایتان تعریف کنم. در درگذشت مادر مهدی آمده بود که ایشان بعضی از اوقات در روستای «چشمه» که حوالی ارک است، زندگی می‌کرده و همان‌جا فوت شده. دهه ۶۰ که بمباران‌ها شدید شده بود، خانواده ما هم – مثل خیلی‌های دیگر – تصمیم گرفت تا بی‌خیال شدن صدام بزند کافر، مدتی را در روستای اجدادی‌مان زندگی کنیم. زندگی در روستا، شور و شیرین و ماجراهای زیادی داشت. یکی از قصه‌ها در مورد روستای همسایه یعنی همین چشمه بود. هنوز مهدی و برادرانش کوچک بودند و شهری‌تی نداشتند

از هر نظری‌ضرر

بررسی در گذشت نخست‌وزیر پیشین بریتانیا

تاجر یعنی چی؟



یوریا عالمی

● شنیدیم خاتم تاجر، شاید باورتان نشود، اما به هر حال چشم از جهان فروست، به یاد آن مر حومه یک خط سکوت می‌کنیم. هیس، چیزی نگویید. یک خط سکوت کردیم. حالا که ادای احترام کردیم ببینیم دیگران درباره خاتم تاجر چه نظری دارند.

ناز بلا، پشت در سفارت انگلستان، در حال ایلاي: اووووم... آی دیای من اینه که... اوووم مرگ خاتم تاجر که خیلی موش و کیوت بودند، کارکنان سفارت‌توخونه رو سد می‌کنه... اوووم شما نوی فارسی به سد چی می‌گین؟ و این خوب نیست بیکاسو اوو بیکلوز اوو بیکوز، لهجه بریتیش رو حال می‌کنی؟ خارصه با این موضوع مهاجرت من عقب می‌افتد... اوومم آی ام سو ساری...

گزارشگر تلویزیون: مرگ تاجر مرگ تراژیکی است. اما کشورهای مستعمره انگلیز و دیگر کشورها جشن و پایکوبی خواهند کرد. یعنی امیدواریم جشن بگیرند تا ما یک گزارش سفتی از خوشحالی مردم جهان از مرگ تاجر را در همین شبکه پوشش دهیم...
کارشناس امور بین‌الملل: آیا تا به حال به اسم تاجر دقت کرده‌اید؟ تاجر یعنی چی؟ تاج یعنی لمس. پس تاج + ای آر = تاجر، که معنی لمس‌کننده می‌دهد. پیش‌بینی ما این است که انگلستان بعد از مرگ خاتم تاجر دست از سر کشورهای دیگر بردارد و لمس‌شان نکند. البته بعد نیست انگلستان بیست‌فینگر تاج را پیش بگیرد که نباید فیش را بخواهیم. دیوید بکهام، متاسفانه از سال ۱۹۶۶ که تیم ملی انگلستان قهرمان جام‌جهانی شد و خاتم مارگارت تاجر همین سن و سال را داشت، وی یک عکس هم با شورت ورزشی ندارد. **یک شیپروند انگلیسی:** به هر حال در تمام دنیا سیستم‌مدارنی هستند که مشغول زدن رکورد طول عمر هستند ما امید داشتیم خاتم تاجر رکورد این رشته را بزند که متاسفانه وی فسوت کرد و از رقابت با دیگر شرکت‌کنندگان و سیاستمداران جهان بازماند.

زادیه دید

نمایشگاه هنر مندان خود آموخته

پادزهری علیه افسردگی



رضی هیرمندی

● من از طریق یکی از افراد حاضر در نمایشگاه هنرمندان خود آموخته با آثار این هنرمندان آشنا شدم. مادر هسرم که بانویی سالخورده ده هشتاد و چند سال سن است، از ۵ سال قبل یعنی پس از مرگ همسرش، دچار افسردگی عجیبی شد. همگی دنبال راهی بودیم تا او را دوباره با زندگی آشتی دهیم. هسرم که خودش داستان‌نویس است و علاقمند به نقاشی، چاره را در این یافت تا مادرش نقاشی کند و سرگرم باشد. یک روز برای او چند مدادرنگی و باقی لوازم را تهیه کرد از حسن تصادف یکی از همین روزها هم تصاویر خاتم «هکرمه قنبری» که یکی از همین نقاشان مطرح خودآموخته بود را از تلویزیون دید و این باعث شد تا جدی‌تر از قبل کار را بی بگیرد. یک سال بعد از این ماجرا وقتی متوجه شدیم «هکرمه قنبری» در شمال نمایشگاه دارد، ما هم مادر را به آن نمایشگاه بردیم و همانجا از او دعوت شد تا چند اثرش را بر دیوارهای آن نمایشگاه در کنار آثار خاتم قنبری بگذارد. این درحالی است که او تا به امروز با ۶ فرزند و ۹ نوه و ۲ نتیجه بیش از ۱۲۰ اثر را خلق کرده و در چند نمایشگاه حضور داشته به گمان من برگزاری چنین نمایشگاهی سبب ایجاد وفای خوادگی ملی و حتی اجتماعی است. مثلاً حالا این خاتم هشتادوجلدی سه به همراه فرزند شصت‌وپنج ساله و نوه سی‌ساله‌اش امروز در این نمایشگاه حضور دارد. در شرایطی که خانواده در سراسر جهان در حال هم گسیختگی است برگزاری این محافل همچون پادزهر عمل خواهد کرد.

رویداد

دیدار سال نواهل فرهنگ و هنر برگزار می‌شود

● دیدار سال نو شاعران، نویسندگان و هنرمندان جمعه ۲۳ فروردین برگزار می‌شود. این مراسم که در قالب سی‌وسومین نشست «عصر روشن» برگزار خواهد شد، با خواش شعر، داستان و آثار طزن اهل قلم از نسل‌های مختلف همراه خواهد بود. علاقمندان برای حضور در این نشست، ساعت ۱۶:۳۰ روز جمعه به نشانی خیابان ولی‌عصر، بالاتر از خیابان میرداماد، پشت برج‌های اسکان، کوچه قبادیان، شماره ۵۲ می‌توانند مراجعه کنند.

© ۱۳۹۲-۲۰۱۳. All rights reserved. | www.sharhdaily.ir